

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره نهم، پاییز ۱۴۰۲: ۶۵-۹۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی رابطهٔ آنومی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اقدام به خودکشی (مطالعهٔ موردی: استان ایلام)

* ولی بهرامی

** رستم منتی

*** طاها عشایری

چکیده

خودکشی، واقعیتی اجتماعی و مسئله مهم ایران و به‌ویژه استان ایلام در دههٔ اخیر است. استان ایلام، جامعه‌ای در حال گذار (از سنت به مدرنیته)، همراه با بی‌سازمانی اجتماعی است که آنومی چندگانه از شواهد تجربی آن است. هدف این پژوهش، بررسی رابطهٔ آنومی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اقدام به خودکشی در استان ایلام است. روش پژوهش از نوع کمی-پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامهٔ محقق‌ساخته و استاندارد (ترکیبی) است. جامعهٔ آماری را شهروندان زن و مرد پانزده سال به بالای استان ایلام در سال ۱۴۰۰ تشکیل داده‌اند. حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران، ۵۱۵ نفر انتخاب شد و روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین آنومی اجتماعی (۰/۴۰۰)، آنومی فرهنگی (۰/۳۲۰)، آنومی اقتصادی (۰/۲۹۰) و اقدام به خودکشی، رابطهٔ معناداری وجود

bahrami1171@cfu.ac.ir

* استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران

** نویسنده مسئول: استادیار گروه جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات آسیب‌شناسی ایلام، ایران

rostammenati@yahoo.com

t.ashayeri@uma.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران



دارد. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که آنومی اقتصادی با بتای ۰/۱۸۷، آنومی فرهنگی با بتای ۰/۱۱۲ و آنومی اجتماعی با بتای ۰/۱۰۲ درصد از تغییرات، اقدام به خودکشی را تبیین کرده است و این سه شاخص در مجموع توانسته است ۰/۱۱۶ درصد از وضعیت اقدام به خودکشی را پیش‌بینی کند.

واژه‌های کلیدی: آنومی اجتماعی، آنومی اقتصادی، آنومی فرهنگی، اقدام به خودکشی و ایلام.

مقدمه و بیان مسئله

«آنومی»، تحولات مفهومی مختلفی را سپری کرده است. در زبان یونانی، «نوموس» به معنای قانون و آنومی به معنای بی‌قانونی است. معنای لغوی آنومی، فقدان قانون و فقدان هنجار است. واژهٔ «سینومی»، واژهٔ مقابل آنومی به معنای جامعهٔ آگاه و منسجم با شبکه‌های قدرتمند و سرمایهٔ غنی اجتماعی است و یا به تعبیری جامعه فاقد شرایط آنومیک است. آنومی، وضعیتی اجتماعی با ویژگی از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) است. در سال ۱۸۹۳، دورکیم برای نخستین بار از واژه آنومی استفاده نموده (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۹)، در سال ۱۸۹۷، تأثیر آن بر مهار اخلاقیات را تحلیل کرد. به اعتقاد وی، با فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد، افراد احساس می‌کنند که راهنمای روشنی در جامعه ندارند و با وضعیت از هم گسیختگی و بی‌سازمانی روبه‌رو هستند (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

آنومی اصطلاح دورکیم، برای اشاره به فقدان هدایت محسوس در یک جامعه است؛ زمانی که کنترل اجتماعی رفتار فردی در آن غیر مؤثر واقع شده است (ر.ک: عشایری و نامیان، ۱۳۹۹). دورکیم، بنیان‌گذار اصطلاح آنومی در مطالعات جامعه‌شناسی و ارتباط آن با مسائل اجتماعی (خودکشی) است. آنومی به معنای فقدان هنجار، قاعده و قانون است که در نتیجه تغییرات اجتماعی شتابان رخ می‌دهد. این تحول هنگام انتقال جامعه از جهان سنتی به مدرن، زمینه بی‌سازمانی اجتماعی و مسائل اجتماعی را دامن زده است. کاهش ارزش جمعی، فردگرایی، کاهش استقلال نظام خانواده، رشد محرومیت‌ها و کاهش الگوی اخلاق جمعی، ریشه‌های اصلی مسائل اجتماعی‌اند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۲). به تعبیری در این تحولات، با کم‌رنگ شدن نشاط و شادکامی جمعی، انسان‌ها از ناامنی، بی‌هنجاری، تنهایی و انزوای اجتماعی، دست به خودکشی می‌زنند (ر.ک: Glatzer, 2000).

آنومی یا بی‌هنجاری، وضعیتی است که هنجارهای سنتی بی‌آنکه با هنجارهای جدید جایگزین گردند، تضعیف می‌شوند. در این وضعیت، با از دست دادن حس جهت‌یابی و نگرانی در جامعه، تمایل به کنش خودکشی افزایش می‌یابد (Giddens, 2012: 159). نظم

اجتماعی و ثبات، اساس تداوم هر جامعه مبتنی بر رعایت قواعد اجتماعی است. با آشفتگی در نظم و قواعد، ناهنجاری افزایش می‌یابد (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵: ۱). از نگاه فروید، خودکشی مبین آرزوی سرکوب‌شده برای کشتن یک فرد محبوب از دست رفته و نوعی عمل انتقام‌جویانه است. خودکشی در اصطلاح، عملی ارادی و با قصد قبلی برای پایان دادن به حیات خویشتن است (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۸۳۶). از نظر سالیوان^۱، خودکشی یعنی ناتوانی فرد برای رفع تعارضات بین فردی و از نظر ژان بشلر، خودکشی به معنای هرگونه رفتاری است که می‌کوشد از طریق پایان دادن به زندگی خود، راه‌حلی برای مشکل زندگی بیابد (مردیها، ۱۴۰۱: ۲۶۳).

ادوین اشناپدین، خودکشی را عمل آگاهانه نابودسازی به دست خود می‌داند که در بهترین مفهوم، آن را می‌توان یک ناراحتی چندبعدی در انسان نیازمند دانست که برای مسئله مشخص، خودکشی را بهترین راه می‌داند (ر.ک: Hawton et al, 2001). بنابراین خودکشی راهی برای رهایی از معضل یا بحرانی است که ناگزیر شخص را شدیداً رنج می‌دهد (ر.ک: Field et al, 2001). نظریه فشار، خودکشی را پدیده مرتبط با ساختار اجتماعی می‌داند. دست نیافتن به اهداف و فشار انگیزه‌های منفی، منجر به خودکشی می‌شود (ر.ک: چلبی، ۱۳۹۳؛ Siegel & Ziembo-Vogl, 2010). آتومی حاصل جامعه در حال گذار ایلام است (ر.ک: معیدفر، ۱۳۸۵؛ عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹؛ Wait & Hinss, 2012؛ Giddens & Baird, 2007).

در جامعه در حال گذار ایلام، نظم اجتماعی سنتی در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات اساسی شده است و هنجارهای سنتی، استحکام و نیرومندی خود را تا حدود زیادی از دست داده است که نمودهایی از آن را در تضعیف اشکال سنتی سرمایه اجتماعی می‌توان دید. برای مثال در پژوهشی که در شورای فرهنگ عمومی کشور درباره شاخص‌های فرهنگ عمومی انجام شده است، ۱۵ درصد از پاسخگویان ایلامی اظهار داشته‌اند که بین بستگان درجه یک آنها، فردی وجود دارد که با او قطع رابطه کرده است. از این نظر استان ایلام، رتبه اول را در کل کشور داشته است (ر.ک: شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۲). در طرح سنجش سرمایه اجتماعی کشور، میانگین میزان

سرمایه اجتماعی استان ایلام ۲/۸۱ با دامنه بین ۱ تا ۵ بوده است که اندکی پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد (ر.ک: شورای اجتماعی کشور، ۱۳۹۴). همچنین وضعیت شادکامی در استان ایلام مطلوب نبوده، رابطهٔ مستقیم و معکوسی بین وضعیت شادکامی و میزان بالای اقدام به خودکشی در استان ایلام دیده می‌شود (مرادی و هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۶۶).

طبق آمار نیروی انتظامی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، هر سال به طور متوسط ۴,۱۸۳ نفر در ایران به دلیل خودکشی، جان‌شان را از دست داده‌اند. با این حساب، نرخ مرگ‌ومیر ناشی از خودکشی، ۵/۱ مورد به ازای هر صد هزار نفر جمعیت است. اما این آمار به طور یکسان توزیع نشده است. بررسی و تحلیل داده‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که نرخ خودکشی در استان‌های غربی کشور، اختلاف بیشتری با مناطق مرکزی، شمال و جنوب و شرق ایران دارد. به طور مشخص میانگین پنج سال نرخ خودکشی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) در استان کرمانشاه (۱۱/۸ به ازای ۱۰۰ هزار نفر) و استان ایلام (۱۱/۵ به ازای ۱۰۰ هزار نفر)، بالاترین آمار خودکشی را به نسبت جمعیت دارد (ر.ک: پایگاه داده باز ایران، ۱۴۰۲).

بر اساس مطالعهٔ انجام‌شده در سال ۲۰۱۷، بروز استانداردها شده خودکشی در استان ایلام، ۸/۲۰ در صد هزار نفر است که میزان بسیار بالایی محسوب می‌شود (منتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۰). بر اساس آخرین آمارهای استان، میزان اقدام به خودکشی زنان به ازای هر صد هزار نفر، ۱۳۲ مورد بوده است (معاونت اجتماعی-فرهنگی ایلام، ۱۳۹۹؛ به نقل از قاسمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۱۳). طبق تحقیقات، خودکشی در ایلام ناشی از فرهنگ ایدئولوژیک و پدرسالار حاکم (ر.ک: فلاحی، ۱۳۸۹)، جامعهٔ سنتی و جایگاه زن در آن، تضاد سرمایهٔ اجتماعی سنتی و مدرن، شیوه تربیت (ر.ک: موسی‌نژاد، ۱۳۸۹)، فرهنگ طلاق و گسیختگی خانوادگی (ر.ک: قادرزاده و پیری، ۱۳۹۳)، خشونت و همسرآزاری، فقر مالی و محرومیت (ر.ک: رضایی‌نسب و دیگران، ۱۳۹۶)، فشار هنجاری و ساختاری (ر.ک: قادرزاده و پیری، ۱۳۹۳)، شکاف اقتصادی-اجتماعی و تأمین نشدن امنیت اقتصادی (ر.ک: منتی و دیگران، ۱۳۹۹) است.

بخارایی و میرزایی (۲۰۱۵) در فراتحلیل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر خودکشی و اقدام به خودکشی نشان دادند که میانگین اندازهٔ اثر آنومی اجتماعی، ۰/۲۷، آنومی

اقتصادی، ۰/۳۳ و آنومی سیاسی، ۰/۲۴ است. در استان ایلام، با گسترش تحولات شبه‌صنعتی که از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد اتفاق افتاد، ابعاد معیشتی، فناورانه و به تبع آن، شکل‌بندی‌های فرهنگی و اجتماعی شکاف برداشت و در معرض دگرگونی قرار گرفت. این دگرگونی‌ها در جامعه ایلام به تدریج اتفاق نیفتاده و شتاب روزافزونی داشته است و مسائل مختلفی از قبیل بیکاری، فقر، افزایش رقابت برای پیدا کردن شغل، تردید درباره آینده و بلا تکلیفی، بی‌اعتمادی و سردرگمی نیز به وجود آمده است. آنومی به عنوان مشکل اجتماعی نیز برخاسته از شرایطی است که بخشی از آن به دگرگونی‌های شتابان و بخشی دیگر به نابسامانی‌های موجود در جامعه مربوط است (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲).

همزمان با این تحولات در ساختار جامعه، رویدادهای اجتماعی و فرهنگی -هم خوشایند و هم ناخوشایند- یکی پس از دیگری، چهره خود را نمایان ساخته و به نظر می‌رسد که افزایش خودکشی‌ها طی سال‌های اخیر در استان ایلام، ناشی از شرایط آنومیک جامعه است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه آنومی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و اقدام به خودکشی است.

پیشینه داخلی و خارجی

علی‌وردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی پرداخته‌اند. هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی جامعه‌شناختی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به خودکشی بوده است. برای نیل به این منظور، از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه رازی کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ تشکیل داده‌اند که در مجموع ۳۸۰ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. بر این اساس پنج متغیر حمایت اجتماعی، نظارت اجتماعی خانواده، رفتار انحرافی، تقدیرگرایی و آنومی به طور همزمان ۰/۷۸ با گرایش به خودکشی ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۳۶ است؛ یعنی ۳۶ درصد از تغییرات گرایش به خودکشی از طریق متغیرهای پنج‌گانه یادشده توضیح داده می‌شود و ۶۴

درصد باقی‌مانده متعلق به عوامل دیگری است.

قادرزاده و پیری (۱۳۹۳) به مطالعه‌ی پدیدارشناختی اقدام به خودکشی در شهر آبدانان ایلام پرداخته‌اند. روش‌شناسی پژوهش کیفی بوده، از پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی برای انجام عملیات میدانی تحقیق و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از تجربه‌ی زیسته‌ی اقدام‌کنندگان به خودکشی، نشان از درک خودکشی به‌مثابه تسهیل‌گری، سنت‌گریزی و واقعیت‌گریزی دارد. به همین دلیل، احساس و درک متفاوتی نسبت به این اقدام در افراد مورد بررسی شکل گرفته است که دامنه‌ی آن از پذیرش تا طرد خودکشی در نوسان است. تجربه و درک شرکت‌کنندگان از جهان پدیداری، بر ناامیدی و تداوم سختی‌ها دلالت دارد. این اقدام، پیامدها و آثار متفاوتی بر بدن زیست‌مند آنها برجای گذاشته است که ذیل دو مضمون کلی «شکندگی بدن جسمانی» و «انزوای بدن پدیداری» قابل دسته‌بندی است. برساخته‌های معنایی حکایت از آن دارد که اقدام‌کنندگان به خودکشی در حال تجربه‌ی زیست‌جهان پیچیده، ناامن و دشواری هستند.

رضایی‌نسب و همکاران (۱۳۹۶) به مطالعه‌ی توصیفی از اقدام به خودسوزی زنان شهر ایلام پرداخته‌اند. این تحقیق، پرونده‌های زنانی را که در شهر ایلام اقدام به خودسوزی کرده بودند، در مدت پنج سال بررسی کرده است. شایع‌ترین و مهم‌ترین عامل خودکشی در بین زنان ایلامی با ۳۸ درصد، نامعلوم گزارش شده است؛ مسئله بیماری روحی و روانی و افسردگی با ۳۰/۲ درصد در رتبه دوم و اختلافات خانوادگی و به‌ویژه اختلاف با همسر با ۱۷/۱ درصد در رتبه بعد قرار دارد. نتایج نشان داد که افسردگی از مهم‌ترین رفتارهای منجر به خودکشی است که آن را می‌توان پیامد مقوله‌هایی از جمله خشونت و آزار همسر و اطرافیان، فقر مالی، تنگ‌دستی و محرومیت دانست. به نظر می‌رسد که گسترش حمایت‌های اجتماعی و جامع در برابر خشونت‌های خانوادگی علیه زنان، آموزش روش‌های کنترل خشم و عصبانیت و کاهش استرس، اطلاع‌رسانی در زمینه مراکز حمایتی می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای کاهش خودسوزی ارائه شود.

زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به «اقدام خودکشی در بین زنان آبدانان: انگیزه‌ها و شرایط» پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به روش کیفی و مصاحبه‌ی عمیق

در میان زنان شهرستان آبدانان انجام شده است. در پژوهش حاضر، ۲۳ نفر از زنانی که به خودکشی اقدام کرده‌اند، مشارکت داشته‌اند که از نظر سنی، تحصیلات، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تأهل متفاوت بودند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. داده‌ها با کدگذاری نظری، تجزیه و تحلیل شد. بر اساس یافته‌ها، زنان مشارکت‌کننده، اقدام به خودکشی را «راهی برای ابراز و رسیدن به خواسته‌ها» ادراک می‌کنند که در راستای آن سعی دارند تا به رفتارهای سلطه‌طلبانه، محدودیت‌ها، تهمت‌ها و بدبینی‌ها واکنش نشان دهند و آن را مدیریت کنند. در پایان، بهبود نقش حمایتی، به‌ویژه از جانب خانواده و همسر و روابط تعامل محور در جلوگیری از خودکشی به عنوان راهکاری بسیار مهم پیشنهاد می‌شود.

منتی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی برخی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتار خودکشی در استان ایلام پرداخته‌اند. این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی (مقطعی) بوده، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. مطابق نتایج پژوهش، وضعیت معیارهای اجتماعی- اقتصادی در نمونه‌های مورد بررسی در مطالعه، منجر به کاهش سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی شده است که این امر باعث افزایش رفتارهای خودکشی شده است. بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی و حرکتی برای کاهش شکافهای اقتصادی- اجتماعی و همچنین تأمین امنیت اقتصادی در جامعه مورد بررسی می‌تواند باعث بهبود سایر تعیین‌کننده‌های مرتبط با رفتار خودکشی شود.

قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بازسازی معنایی خودکشی از منظر زنان استان ایلام پرداخته‌اند. پارادایم برساختی و تفسیری، رویکرد کیفی و استراتژی از نوع گراندد تئوری با تاکتیک تحلیل محتوای پنهان است. میدان مورد مطالعه شامل تمامی زنانی است که از گذشته تاکنون، در قلمرو استان ایلام، اقدام به خودکشی کرده‌اند. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مطالعه و از نمونه‌گیری نظری، برای تشخیص تعداد افراد یعنی محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر استفاده شده است. تعداد نمونه تا مرحله اشباع نظری برابر با ۶۱ نفر برآورد شد. مقوله هسته‌ای با عنوان «تجربه مدرنیته بی‌قواره» نام‌گذاری شد. بر مبنای این نظریه، مدرنیته بی‌قواره،

زیست‌جهان پیشین جامعهٔ ایلام را دچار آشفتگی نمود و با ورود شتابان خود به آن، بسترهای انشقاق اجتماعی و فرهنگی را فراهم نموده و منشأ آسیب‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی شد که پدیدهٔ خودکشی زنان، یکی از مصادیق آن است.

هودویتز و فری^۱ (۲۰۱۶)، مطالعه‌ای با عنوان «خودکشی آنومیک: تحلیل دورکیمی از بی‌هنجاری اروپایی» انجام داده‌اند. به عقیده دورکیم (۱۸۹۷)، دوره‌های تغییرات اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی منجر به حالت آنومی یا بی‌هنجاری می‌شود. دوره‌های آنومیک منجر به بی‌نظمی در امیال افراد و رنج آنها می‌شود. دورکیم، این فرضیه را مطرح کرد که جوامع و گروه‌ها در شرایط آنومیک، افزایش نرخ خودکشی را تجربه می‌کنند. از این‌رو این پژوهش به بررسی دو آزمون از نظریهٔ آنومی دورکیم (۱۸۹۷) -یک تحلیل کل رفتاری و یک تحلیل نگرشی در سطح فردی- در پس‌زمینه سقوط اقتصادی سال ۲۰۰۸ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در بررسی رابطه میان بیکاری و خودکشی در اتحادیه اروپا بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ همسو با نتایج نظریه دورکیم است. نرخ خودکشی پس از بحران اقتصادی افزایش یافته است و با از سرگیری ثبات اقتصادی در سال ۲۰۱۰ فقط برای مردان، نرخ خودکشی کاهش یافته است. همچنین تحلیل نگرش در سطح فردی نشان داد که پدیدهٔ طلاق در افزایش خودکشی آنومیک و ازدواج در کاهش خودکشی آنومیک نقش دارد. بنابراین در حالی که ازدواج تنظیم‌کننده امیال مردان است، طلاق نشان‌دهنده مقررات‌زدایی از امیال در بین زنان و مردان است. از این‌رو طلاق با افزایش حالت آنومیک می‌تواند در افزایش خودکشی آنومیک نقش داشته باشد.

آبنوز^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی به مطالعه آنومی اقتصادی و خودکشی در طول دوران جنگ پرداخته است. این مطالعه شامل بررسی‌هایی در کشور ترکیه است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی ناشی از جنگ در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۹ رخ داده است. در این زمینه، تأثیر عوامل بیکاری، تورم، تولید ناخالص داخلی و بحران‌های اقتصادی بر نرخ خودکشی با روش سری زمانی تحلیل می‌شود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که خودکشی، رابطهٔ مثبت و معناداری با بحران‌های اقتصادی ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ در زمان جنگ در ترکیه دارد. همچنین خودکشی، رابطهٔ مثبت و معناداری با تولید ناخالص داخلی دارد.

1. Hodwitz and Frey

2. Abanoz

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه خودکشی در استان ایلام نشان می‌دهد که اکثر این پژوهش‌ها به خودکشی زنان پرداخته‌اند و خودکشی در میان مردان مغفول مانده است. همچنین به جز دو پژوهش - که ایار و رضایی‌نسب با رویکرد کیفی انجام داده‌اند - سایر پژوهش‌ها از پارادایم اثبات‌گرایی بهره برده‌اند. بیشتر این مطالعات به توصیف خودکشی‌ها و خودکشی‌نگاری اقدام کرده‌اند و کمتر به سطح تبیین اقدام نموده‌اند. همچنین تبیین تعدادی از آنها، روان‌شناختی است و جنبه جامعه‌شناختی درباره اقدام به خودکشی مغفول مانده است. تعدادی از این مطالعات به متغیر/ مفهوم آنومی اشاره کرده‌اند، ولی رابطه انواع آنومی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با خودکشی یا نقش آنومی در ارتباط با اقدام به خودکشی را به صورت دقیق تبیین و مشخص نکرده‌اند. از این‌رو این پژوهش به دنبال بررسی رابطه آنومی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اقدام به خودکشی در میان زنان و مردان استان ایلام است.

مبانی و رویکردهای نظری خودکشی

اولین بار دی فانتن^۱، اصطلاح «خودکشی» را در مطالعات خود به کار گرفت. این مفهوم در اجتماع فرانسوی سال ۱۷۶۲ در آکادمی علوم فرانسه مطرح شد (صادقی، ۱۳۹۶: ۳۲). نگاه دی فانتن به خودکشی، بیشتر رویکرد فلسفی داشت. در سال ۱۸۷۹، دورکیم با انتشار کتاب «خودکشی»، این پدیده را از نظر علمی و دانشگاهی واکاوی نمود (ر.ک: Aron, 2012). وی در باب خودکشی از امر روان‌شناختی به امر جامعه‌شناختی رسید و ضمن رد کردن نظریه‌های روان‌شناختی و زیست‌شناختی به نظریه‌های جامعه‌شناسی خودکشی اعتبار داد (Stones, 2021: 83).

دورکیم، میزان و الگوی خودکشی را متأثر از میزان همبستگی اجتماعی می‌دانست. بر اساس نظر او، میزان خودکشی به دو عامل بستگی دارد. نخستین عامل، میزان انسجام فرد در جامعه^۲ است؛ زمانی که انسجام شدیدی میان فرد و جامعه وجود داشته باشد، خودکشی دگرخواهانه افزایش می‌یابد و زمانی که این انسجام کاهش

1. D. Fanten

2. Social integration

یابد، خودکشی خودخواهانه رخ می‌دهد. دومین عامل، میزان نظم اجتماعی^۱ است. زمانی که ویژگی‌های جامعه به صورت متفاوتی تغییر کند که سبب اختلال در هنجارها و ارزش‌ها شود، خودکشی بی‌هنجاری رخ می‌دهد؛ لیکن زمانی که انتظام شدیدی بر فرد حاکم باشد، خودکشی قهری رخ می‌دهد (آیسه و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

بعد از دورکیم، گیبس^۲ (۱۹۷۶)، خودکشی را با دو مفهوم انسجام پایگاهی و منزلتی واکاوی کرد. مارشال (۱۹۸۱)، با مفهوم بی‌سازمانی اقتصادی، مطالعات خود درباره خودکشی را تاحدی توسعه داد که با نتایج تجربی دورکیم (۲۰۰۵)، همخوانی داشت (Taylor, 1982: 23). در سال ۱۹۱۰، مطالعات روان‌شناختی با حضور فروید از زاویه روانی، عصبی و انگیزشی به مسئله خودکشی پرداختند. هالبواکس^۳ (۱۹۷۸) با تأسی از دورکیم، خودکشی را وارد دوره جدیدی کرد (Stevens & Griffin, 2001: 23). در سال ۱۹۹۶، خودکشی با کمک سازمان جهانی بهداشت، در برنامه سلامت اجتماعی قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸، مینگر به عناصر خودکشی شامل میل به کشتن (امیال خشونت‌آمیز)، میل به کشته شدن (احساس بی‌ارزش بودن) و تمایل به مردن (احساس ناامیدی و یأس)، اشاره نموده، در تعریف خودکشی، تغییراتی ایجاد کرد (Hulmes & Hulmes, 2012: 12).

آنومی

Anomy انگلیسی از کلمه یونانی Anomos به معنی بی‌قانونی سرچشمه می‌گیرد. این کلمه، ترکیب پیشوند A- به معنی «بدون» و Nomos به معنی «قانون» است (De Lara & Zoghbi, 2007: 465) که در میان یونانیان باستان و در ادبیات کتاب مقدس یافت می‌شود (Mestrovic, 1988: 543). افلاطون، آنومی را با بی‌عدالتی، بی‌خدایی، بی‌تقوایی و گناه، کم‌منفعتی، وحشت و خشونت، ظلم و ستم، هرج‌ومرج و بی‌نظمی یکسان دانسته و تأکید دارد که آنومی، تهدیدی جدی برای جامعه بشری است (Orrù, 1985: 23). در حالی که بسیاری از جامعه‌شناسان از آنومی به عنوان علت مشکلات اجتماعی معاصر ابراز تأسف کرده‌اند. گوئی‌یو، آنومی را شرط لازم برای پیشرفت از جزم به شک و از دین به علم دانسته است. استفاده مثبت گوئی‌یو از اصطلاح آنومی، از بسیاری جهات مشابه استفاده

1. Social Regulation
2. Gibbs
3. Halbwachs

ماکس وبر از اصطلاح بیگانگی در جامعه‌شناسی دین است (Barash, 1963: 120). برای نخستین بار، اصطلاح آنومی را دورکیم (۲۰۰۳) وارد جامعه‌شناسی کرد. وی بنیان‌گذار آنومی و مرتن، توسعه‌دهنده آنومی در جامعه‌شناسی است (نایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹).

گونه‌های آنومی

از نظر دورکیم، آنومی تنها منحصر به نقش‌های اقتصادی، صنعتی و تجارت نیست و کل جامعه را در بر گرفته (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۱: ۳۶) و به عبارتی کاهش اعمال نفوذ هنجارهای اجتماعی بر کنش‌های فردی بیانگر ظهور آنومی اجتماعی در جامعه است (کوهی و فریادی، ۱۳۹۷: ۳). عوامل مؤثر بر آنومی نشان می‌دهد که آنومی پیش از اینکه مفهومی جامعه‌شناختی باشد، مفهومی اقتصادی و فرهنگی بوده است. محیط سیاسی-اجتماعی، تغییرات فرهنگی، شرایط اقتصادی، پیامدها و ادراکات فردی از جمله عواملی است که در سنجش آنومی به کار رفته است (نایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲).

۱- آنومی اجتماعی: اصولاً جوامع در حال توسعه، در حال گذار از دوران سنتی به مدرن، با بحران‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند. گذار از وضعیت اجتماعی پیشین به وضعیت جدید که با ضعف وجدان‌های جمعی همراه است، به ضعف کارکرد کنترل اجتماعی بر امیال سیری‌ناپذیری منجر می‌شود (Kouser & Rosenberg, 2014: 427). هرچه انسان در جامعه احساس کند که در خلأ اجتماعی به سر می‌برد و امکان نظارت و حمایت وجود ندارد، دست به کارهای خطرناک می‌زند. فضای آنومیک که حاصل فروپاشی وجدان اخلاقی سنتی است، کنشگران اجتماعی را با یک خلأ اخلاقی مواجه می‌کند. این خلأ موجب بی‌پناهی، بی‌قدرتی و احساس تنهایی می‌شود. آنومی که به معنای از بین رفتن و فقدان قواعد است، به روابط سازمان‌ها، کارکردهای اجتماعی جامعه و افراد برمی‌گردد (دورکیم، ۲۰۱۹؛ به نقل از کارگر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۱۸۰).

دورکیم (۲۰۱۹) در کتاب «تقسیم کار»، ناهماهنگی و ناهمسانی کارکردهای اجتماعی با نیازها در حالت آنومی را یادآوری نموده، تأکید می‌کند که با بحران‌های اقتصادی و ثروت ناگهانی، تعادل اجتماعی به هم می‌خورد و آنومی شکل می‌گیرد (Ortmann, 2000). به زعم دورکیم، با عدم التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد، افراد احساس می‌کنند که مالکیتی در انتخاب‌های خود ندارند. در نتیجه، حالت از هم گسستگی و بی‌سازمانی اجتماعی آشکار و گسترده‌تر می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۸۶). از نگاه دورکیم،

نابسامانی فردی، تضاد شخصیت فردی و خودخواه با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه انسان از پیامدهای آنومی و از بین رفتن کارایی خواسته‌های وجدان جمعی است. در کنار این، تضعیف فشارهای جمعی موجب رهایی افراد به حال خود می‌شود (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۷). به فکر خود بودن، بی‌اعتمادی، اهمیت پول در زندگی، عدم اهمیت سرنوشت آتی، عدم فهم معنای زندگی، فقدان قاعدهٔ معین در زندگی و عدم هدفمندی در زندگی از شاخص‌های سنجش آنومی اجتماعی در جامعه است (پورافکاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱).

۲- آنومی اقتصادی: بیکاری، ناامنی شغلی، فضای منفی کسب‌وکار، نااطمینانی از زندگی آبرومند و بحران‌های مالی مانند ورشکستگی و سقوط طبقه‌ای، از نمایه‌های آنومی اقتصادی است که فرد را در وضعیت بحرانی قرار می‌دهد. ناتوانی در برابر این شرایط، اقدام به خودکشی را افزایش می‌یابد. نظریهٔ فشار عمومی که رابرت اگنیو^۱ معرفی کرده است، بر فشار ایجادشده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت تأکید دارد. بر این اساس افرادی که در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت خود شکست می‌خورند، فشار را تجربه می‌کنند. این نوع از فشار به سه مقولهٔ فرعی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از گسست میان آرزوها و توقعات، شکاف میان توقعات و دستاوردهای واقعی و شکاف میان پیامدهای مورد انتظار و پیامدهای واقعی (Blevins et al, 2010: 150).

طبق نظریه اگنیو می‌توان گفت که آنومی اقتصادی یعنی احساس عدم تناسب میان نیازها، خواسته‌ها، اهداف و امکانات مالی و اقتصادی از یکسو و رهایی وسایل دستیابی به آنها از سوی دیگر است. کنترل اقتصادی جامعه به دست تعداد کمی از افراد، ناتوانی در تغییر وضعیت اقتصادی، احساس نیاز نداشتن به تبعیت از قوانین برای موفقیت، شکاف اقتصادی- طبقاتی شدید در جامعه، ناتوانی دولت در کنترل تورم، ترویج رشوه برای حل مشکلات نابسامانی اقتصادی، پیش‌بینی نکردن آیندهٔ اقتصادی (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ احساس نامتناسب بودن شغل و حقوق، ناکامی در یافتن شغل، ناتوانی مالی در ادارهٔ زندگی، ناتوانی در برنامه‌ریزی مالی، ناامنی شغلی (ر.ک: رضایی، ۲۰۲۰)، اختلاس و فساد اقتصادی، قوانین دست و پاگیر، ناامنی فضای کسب‌وکار، تورم و گرانی، بیکاری، گرانی مسکن، بالا بودن اجاره‌بها، بی‌عدالتی، افزایش فاصله طبقاتی، مصرف‌گرایی، گرایش به تجملات، سرقت و دزدی، دشواری راه‌اندازی کسب‌وکار، گسترش

دست‌فروشی، قاچاق کالا، کاهش سرمایه‌گذاری در تولید، برخوردار نبودن مردم از حمایت و پوشش بیمه‌ای، از شاخص‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

۳- **آنومی فرهنگی:** هرگاه رفتارهای فرد در جامعه، خارج از دایره و محدودهٔ هنجارها و عرف باشد، آنومی فرهنگی رخ داده، جامعه با اختلال فرهنگی مواجه است. فرهنگ، مجموعه‌ای از آداب، رسوم، هنر، سنن، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، عقاید، اخلاقیات، قوانین و مقررات و آموخته‌هاست (ذوالفقاری و شاتار صابران، ۱۳۸۷: ۷۸) که وظیفهٔ هدایت و کنترل رفتار جامعه را به عهده دارد و در صورت ناکارآمدی، جامعه با بحران مواجه می‌شود. افزایش فساد، انحرافات اخلاقی، انحرافات فکری و ذهنی از مؤلفه‌های آنومی فرهنگی است. هنجارهای فرهنگی، باید و نبایدهای رفتاری است که به عنوان قالب عملکردهای اجتماعی در جامعه وجود دارد و با از بین رفتن قدرت اعمال نفوذ بر عملکردها، آنومی فرهنگی رخ می‌دهد.

مرتن، آنومی را ناشی از فروپاشی ساختار فرهنگی می‌داند (مظفر و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۴). لوییس^۱ (۱۹۷۵) در کتاب «فرهنگ فقر و خانواده سانچز»، یکی از علت‌های مهم تله فقر را آنومی فرهنگی می‌داند و معتقد است که بدبینی، عدم خودباوری، بی‌اعتمادی، تقلید در پوشش، احساس معلولیت فرهنگی و نداشتن آینده‌نگری از عوامل بحرانی شدن زندگی طبقات پایین است. به‌زعم وی، چهار دیدگاه مهم شامل مناسبات و شبکه تعاملی بین خرده‌فرهنگ، خلیقات ساکنان فقیر، خصوصیات اخلاقی خانواده و ساختار شخصیتی افراد از نمادهای آنومی فرهنگی‌اند. فاستر (۲۰۱۷) هم با تئوری خیر محدود، به آنومی فرهنگی به‌مثابه کنشی مانع توسعه و تحولات رفتاری اشاره می‌کند. خیر محدود شامل آرزوهای کوتاه، آنی و مادی، بی‌اعتمادی به اطرافیان، تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، فقر فرهنگی، تداوم نسل فقر، فقدان انگیزهٔ قوی برای شکستن دور باطل فقر و پذیرش شکست اقتصادی است که فضای آنومیک فرهنگی را شکل می‌دهد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۴). رابرت چمبرز (۲۰۱۰) از فقر به عنوان تله محرومیت یاد و تأکید کرده است که مؤلفه‌های پنج‌گانه فقر و محرومیت به عنوان خوشه‌های نامساعد شامل فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی است که با یکدیگر مرتبطند و همدیگر را تقویت می‌کنند. این امر باعث بازتولید مداوم محرومیت و فقر و شکل‌گیری آنومی فرهنگی

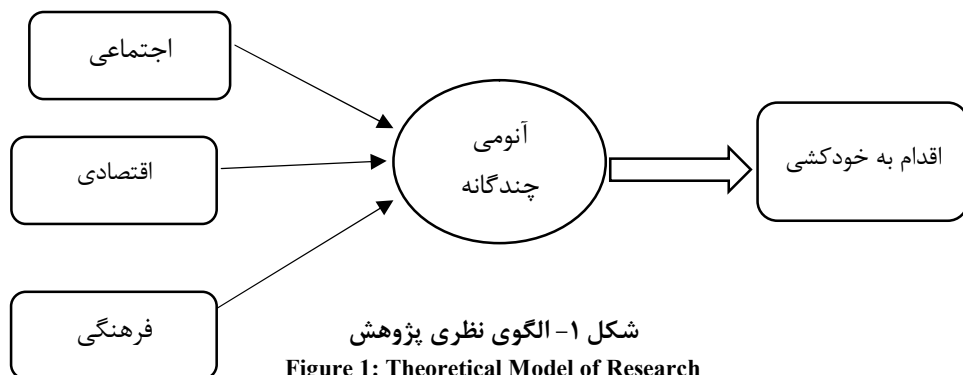
می‌شود (همان: ۱۷۵). آنومی فرهنگی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ضد ارزش و بر اساس معیارهای اجتماعی سنتی و هنجارهای رسمی غالب، جرم و همان نقش هنجارهای فرهنگ دینی، سنتی و غالب رسمی جامعه است (شمس و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

به طور کلی چارچوب نظری این پژوهش در وهله اول مبتنی بر نظریهٔ دورکیم است. فضای آنومیک حاصل از کاهش اعمال نفوذ هنجارهای اجتماعی بر کنش‌های فردی و فروپاشی وجدان اخلاقی است که افراد را با یک خلأ اخلاقی نیز مواجه می‌کند. این خلأ موجب بی‌پناهی، بی‌قدرتی و احساس تنهایی می‌شود. علاوه بر این دورکیم معتقد است که بحران‌های اقتصادی بر گرایش به خودکشی، اثری تشدیدکننده دارند (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۸۴).

برای مفهوم آنومی اقتصادی علاوه بر نظریه دورکیم، از نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو استفاده شد. در نهایت مفهوم آنومی فرهنگی از نظریهٔ لوییس و فاستر استخراج شده است. هرگاه رفتارهای فرد در جامعه، خارج از دایره و محدوده هنجارها و عرف باشد، آنومی فرهنگی رخ می‌دهد. فرهنگ، وظیفه هدایت و کنترل رفتار افراد جامعه را به عهده دارد و در صورت ناکارآمدی، جامعه با بحران مواجه می‌شود. افزایش فساد، انحرافات اخلاقی، انحرافات فکری و ذهنی از مؤلفه‌های آنومی فرهنگی است. به زعم لوییس (۱۹۷۵)، بدبینی، عدم خودباوری، بی‌اعتمادی، تقلید در پوشش، احساس معلولیت فرهنگی و نداشتن آینده‌نگری از عوامل آنومی فرهنگی‌اند.

با توجه به توضیحات بالا و پیشینه تجربی، الگوی نظری ذیل برای بررسی رابطهٔ آنومی چندگانه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) با اقدام به خودکشی ترسیم شد.

الگوی نظری تحقیق



فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد که بین آنومی اجتماعی و اقدام به خودکشی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین آنومی اقتصادی و اقدام به خودکشی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین آنومی فرهنگی و اقدام به خودکشی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش این پژوهش، پیمایش کمی و ابزار، پرسشنامه است. جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۱۵ تا ۸۰ سال است که در سال ۱۴۰۰ در استان ایلام سکونت داشته‌اند. بر این اساس جامعه آماری، ۴۱۰۹۴۹ است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۴۸۴ نفر تعیین شد؛ ولی با توجه به پراکندگی جغرافیایی نسبتاً بالا و توجه به تحت پوشش قرار دادن اقشار و گروه‌های متفاوت در ناحیه‌های مختلف جغرافیایی و توجه به اثر طرح^۱، حجم نمونه به ۵۱۵ نفر افزایش یافت.

روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بود. در مرحله اول بر اساس نقشه استان، شهرستان‌ها به دو طبقه شمالی و جنوبی تقسیم شدند (نمونه‌گیری طبقه‌ای). سپس با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به صورت تصادفی، سه شهرستان از شمال استان ایلام شامل شهرهای ایلام، ایوان و ملکشاهی و از شهرستان‌های جنوبی استان ایلام، شهرهای دره‌شهر و آبدانان انتخاب شد. در مرحله بعد، نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام گرفت که در هر شهرستان، مناطق شهری و روستایی مشخص شد و داخل هر طبقه شهری و روستایی، افراد به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار اندازه‌گیری رفتار خودکشی در مطالعه حاضر، پرسشنامه استاندارد رفتارهای خودکشی (اقدام به خودکشی) R-SBQ است که شامل چهار زیر گروه غیر خودکشی، افکار خطرناک خودکشی، افرادی که نقشه برای خودکشی و کسانی که تلاش برای خودکشی دارند است.

روایی این پژوهش با آلفای کرونباخ تأیید شده است. آلفای کرونباخ برای آنومی اجتماعی (۰/۸۰)، آنومی اقتصادی (۰/۷۶)، آنومی فرهنگی (۰/۶۳) و اقدام به خودکشی (۰/۸۳) به دست آمد.

جدول ۱- جامعه آماری به تفکیک شهرستان

Table 1: Statistical Population by City

جنسیت روستایی	جنسیت شهری		تعداد پرسشنامه برای تکمیل	درصد	کل جمعیت ۱۵ تا ۸۰ سال	نام شهرستان	ردیف	
	مرد	زن						مرد
۲۵	۲۵	۱۰۰	۱۰۰	۲۵۰	۰/۰۵۲	۲۱۳۵۷۹	ایلام	۱
۹	۹	۲۰	۲۰	۵۸	۰/۰۱۲	۴۸۸۳۳	ایوان	۲
۱۷	۱۸	۱۵	۱۵	۶۷	۰/۰۱۴	۵۹۵۵۱	دره شهر	۳
۹	۸	۱۰	۱۰	۲۹	۰/۰۰۶	۲۲۵۸۷	ملکشاهی	۴
۱۵	۱۵	۲۳	۲۳	۷۶	۰/۰۱۶	۶۶۳۹۹	دهلران	۵
۷۵	۷۵	۱۶۸	۱۶۸	۴۸۰	۱۰۰	جمع		

یافته‌های توصیفی

از کل نمونه مورد مطالعه، ۲۷۱ (۵۲/۹) مرد و ۲۴۱ (۴۷/۱) زن و ۳ نفر بدون پاسخ بودند. حجم نمونه به تفکیک شهرستان ایلام (۵۲/۰۸ درصد)، ایوان (۱۲ درصد)، دره شهر (۱۴ درصد)، ملکشاهی (۶ درصد)، و دهلران (۱۶ درصد) است. از نظر تعداد، گروه سنی ۱۵-۲۵ سال برابر با ۱۹۲ (۳۷/۶ درصد)، ۲۵-۳۵ سال برابر با ۱۳۹ (۲۷/۲ درصد)، ۳۵-۴۵ سال برابر با ۹۱ (۱۷/۸)، ۴۵-۵۵ سال برابر با ۴۸ نفر (۹/۴ درصد) و گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال برابر با ۴۱ (۸ درصد) است. از نظر وضعیت تأهل، ۲۵۵ نفر (۴۹/۹ درصد) مجرد، ۲۴۹ نفر (۴۸/۷ درصد) متأهل و ۷ نفر (۱/۴ درصد)، بیوه و مطلقه است. از لحاظ سطح تحصیلات، ۲۶۴ نفر (۵۱/۷ درصد) دانشگاهی و ۱۲ نفر (۲/۳ درصد) بی سواد بودند. از نظر وضعیت اشتغال، تعداد بیکار برابر با ۱۰۴ (۲۰/۷ درصد)، آزاد برابر با ۱۴۱ (۲۸/۱)، کارمند برابر با ۷۴ (۱۴/۷ درصد)، دانش آموز برابر با ۸۹ (۱۷/۷ درصد)، خانه دار برابر با ۷۲ (۱۴/۳ درصد) و سایر برابر با ۲۲ نفر (۴/۴ درصد) است.

توزیع پراکندگی پژوهش

جدول ۲- توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش

Table 2: Distribution of Research Variable Dispersion

طبقات						دامنه تغییرات	میانم	ماکزیم	انحراف معیار	میانگین	متغیر
پایین		متوسط		بالا							
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی						
۲۹/۷۱	۱۵۳	۶۵/۸۳	۳۳۹	۴/۴۷	۲۳	۲۲	۱۴	۳۶	۴/۹۷	۲۴/۳۸	آنومی اجتماعی
۳۸/۵۱	۱۹۶	۴۷/۵۴	۲۴۲	۱۳/۹۵	۷۱	۲۰	۵	۲۵	۵/۰۷	۱۴/۱۲	آنومی اقتصادی
۷۲/۱۶	۳۶۸	۲۴/۵۱	۱۲۵	۳/۳۳	۱۷	۲۰	۶	۲۶	۴/۶۳	۱۱/۰۱	آنومی فرهنگی
۵۵/۶۹	۲۸۴	۳۸/۲۴	۱۹۵	۶/۰۸	۳۱	۱۲۴	۳۱	۱۵۳	۲۳/۲۴	۷۰/۴۲	اقدام به خودکشی

نتایج توزیع پراکندگی متغیرها بر مبنای طبقه اجتماعی که بر اساس شغل، میزان درآمد و سطح تحصیلات تعیین شد، نشان داد:

- میانگین نمره‌های آنومی اجتماعی با انحراف معیار ۴/۹۷، برابر با ۲۴/۳۸ بوده، به طوری که حد پایین نمره‌ها ۱۴، حد بالا ۳۶ و دامنه تغییرات ۲۲ است. همچنین میزان آنومی اجتماعی در میان ۴/۴۷ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در میان ۶۵/۸۳ درصد در حد متوسط و در میان ۲۹/۷۱ درصد در حد پایینی برآورد شده است.
- میانگین نمره‌های آنومی اقتصادی با انحراف معیار ۵/۰۷، برابر با ۱۴/۱۲ بوده، به طوری که حد پایین نمره‌ها ۵، حد بالا ۲۵ و دامنه تغییرات ۲۰ است. همچنین میزان احساس آنومی در میان ۱۳/۹۵ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در میان ۴۷/۵۴ درصد در حد متوسط و در میان ۳۸/۵۱ درصد در حد پایینی برآورد شده است.
- میانگین نمره‌های آنومی فرهنگی با انحراف معیار ۴/۶۳، برابر با ۱۱/۰۱ بوده، به طوری که حد پایین نمره‌ها ۶، حد بالای آن ۲۶ و دامنه تغییرات ۲۰ است. همچنین

میزان آنومی فرهنگی در میان ۳/۳۳ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در میان ۲۴/۵۱ درصد در حد متوسط و در میان ۷۲/۱۶ درصد در حد پایینی برآورد شده است. - میانگین اقدام به خودکشی با انحراف معیار ۲۳/۲۴، برابر با ۷۰/۴۲ بوده، به طوری که حد پایین نمره‌ها ۳۱، حد بالا ۱۵۵ و دامنه تغییرات ۱۲۴ است. همچنین میزان اقدام به خودکشی در میان ۶/۰۸ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در میان ۳۸/۲۴ درصد در حد متوسط و در میان ۵۵/۶۹ درصد در حد پایینی برآورد شده است.

یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها: رابطهٔ میان آنومی اجتماعی، آنومی فرهنگی و آنومی اقتصادی با اقدام به خودکشی

جدول ۳- نتایج آزمون رابطه میان متغیرهای مستقل با اقدام به خودکشی

بر اساس آزمون R پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار R پیرسون	سطح معناداری	نوع رابطه	نتیجه فرضیه
آنومی اجتماعی	اقدام به خودکشی	۰/۴۰۰	۰/۰۰۱	مثبت	تأیید فرضیه
		۰/۳۲۰	۰/۰۰۰	مثبت	تأیید فرضیه
		۰/۲۹۰	۰/۰۰۰	مثبت	تأیید فرضیه

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۱)، بین آنومی اجتماعی و اقدام به خودکشی، رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۰۰ و نوع رابطه، مثبت است. بدین معنی هرچه سطح شدت آنومی اجتماعی بیشتر شود، احتمال گرایش به خودکشی نیز بیشتر است. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. بین آنومی فرهنگی و اقدام به خودکشی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، رابطهٔ معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۲۰ است و نوع رابطه، مثبت است. بدین معنی هرچه شدت آنومی فرهنگی بیشتر باشد، به همان میزان احتمال گرایش به خودکشی بیشتر است. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. در نهایت بین آنومی اقتصادی و اقدام به خودکشی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰)، رابطهٔ معنی‌داری

وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۲۹۰ و نوع رابطه، مثبت است. بدین معنی هرچه سطح شدت آنومی اقتصادی بیشتر شود، احتمال گرایش به خودکشی نیز بیشتر خواهد شد. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است.

رگرسیون چندمتغیره

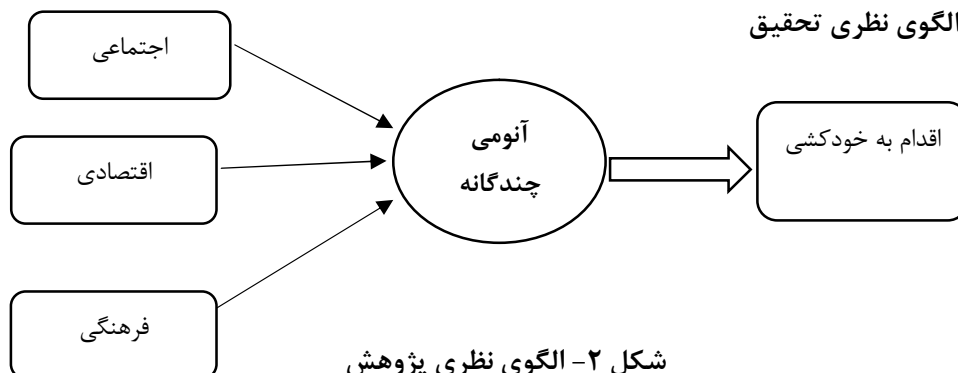
جدول ۴- رگرسیون چندگانه پژوهش

Table 4: Multiple Research Regression

متغیر مستقل	ضریب بتا	مقدار تی	مقدار f	سطح معنی داری
آنومی اجتماعی	۰/۱۰۲	۳/۰۰۲	۱۱/۳۴۵	۰/۰۰۰
آنومی فرهنگی	۰/۱۱۲	۴/۱۲۵	۱۲/۰۱۲	۰/۰۰۲
آنومی اقتصادی	۰/۱۸۷	۲/۹۸۷	۲۲/۹۸۲	۰/۰۰۰
خلاصه مدل رگرسیونی پژوهش				
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
۰/۱۲۷	۰/۱۱۶	۰/۳۴۲	۰/۰۰۳	

نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد آنومی اقتصادی با بتای ۰/۱۸۷، آنومی فرهنگی با بتای ۰/۱۱۲ و آنومی اجتماعی با بتای ۰/۱۰۲ درصد توانسته‌اند تغییرات اقدام به خودکشی را تبیین نموده و این سه شاخص، در کل ۰/۱۱۶ درصد از وضعیت اقدام به خودکشی را پیش‌بینی کرده‌اند. در نهایت مدل مسیر پژوهش به شرح ذیل است:

الگوی نظری تحقیق



شکل ۲- الگوی نظری پژوهش

Figure 2: Theoretical Model of Research

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی رابطه‌ی آنومی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اقدام به خودکشی در میان شهروندان ۱۵ تا ۸۰ سال - که در سال ۱۴۰۰ در استان ایلام سکونت داشته‌اند- انجام شده است. حجم نمونه در این پژوهش، ۵۱۵ نفر تعیین شد و نتایج نشان داد که بین آنومی با اقدام به خودکشی، رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار آن برابر با ۰/۲۲۵ است. هرچه شدت آنومی بیشتر باشد، به همان میزان، احتمال اقدام به خودکشی در میان افراد جامعه بیشتر است.

در این مطالعه، خودکشی نوعی بی‌هنجاری اجتماعی است که در اثر ناهماهنگی ساختاری و سازمانی فرد با جامعه رخ می‌دهد. در جامعه‌ای که ارزش‌ها، هنجارها و قوانین با هم هماهنگ و یک‌دست نباشد، معمولاً رفتارهای خودکشی و اقدام به خودکشی بیشتر است (ر.ک: Levine et al, 2019; Kourgiantakis et al, 2019). آنومی با ابعاد و مؤلفه‌های متفاوت، انسان‌های رنجیده از شرایط اجتماعی را به رها شدن از فشارهای اجتماعی سوق می‌دهد. افراد با هر طبقه‌ی اجتماعی (بالا، پایین و متوسط) و سرمایه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)، پس از موفق نبودن در برابر گرفتاری‌ها و مشکلات، در فضای آنومیک قرار می‌گیرند و دست به خودکشی می‌زنند. فضای اجتماعی که کنشگری و فعالیت را از افراد می‌گیرد، موجب می‌شود افراد برای عبور از بحران، راهی پیدا نکنند و خود را موجودی ضعیف، ناتوان و خودباخته ببینند که در برابر مشکلات و بحران‌های اجتماعی تسلیم شده، خود را از هستی ساقط می‌کنند. بنابراین:

۱- بین آنومی اقتصادی و اقدام به خودکشی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار اثر کلی آن برابر با ۰/۱۸۷ است. نتایج این قسمت از پژوهش، همسو با نتایج پژوهش منتهی و همکاران (۱۳۹۸)، هودویترز و فری (۲۰۱۶) و آبنوز (۲۰۲۳) است. استان ایلام با جمعیت ۵۸۰ هزار نفر، جزء استان‌های کم‌جمعیت کشور به شمار می‌رود؛ اما آمار بیکاری در آن نسبتاً بالاست. شاخص فلاکت کشور که نشان‌دهنده حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری است، در پایان سال ۱۳۹۹، ۴۶/۱ درصد برآورد شده است. استان ایلام به همراه سیزده استان دیگر کشور در پایان سال ۱۳۹۹، با شاخص فلاکت بالاتر از میانگین کل کشور مواجه بوده است (رضایی‌نسب، ۱۴۰۱: ۲۱۷). بیکاری در استان ایلام و فضای نامساعد کسب‌وکار، ناامنی شغلی و نبود شرایط تولیدی مناسب، تحولات ناگهانی

اقتصادی و وضعیت ناپایدار اقتصادی مانند تورم و پیش‌بینی‌ناپذیر شدن اقتصاد، موجب کناره‌گیری و جذب نشدن افراد در نهادهای اجتماعی و اجتماع می‌شود. این جذب نشدن و خودکشی بیشتر زنان در قیاس با مردان را -که تحقیقات قاسمی و همکاران (۱۴۰۰)، رضایی‌نسب و همکاران (۱۳۹۶) و ایار (۱۳۹۷) نیز آن را تأیید می‌کند- می‌توان در ارتباط با آنومی اقتصادی تبیین نمود.

آمارها نیز نشان می‌دهد که در استان ایلام، نسبت مردان به زنان فعال از نظر اقتصادی همواره بیش از چهار برابر است و حدود ۸۳ درصد از جمعیت زنان استان به لحاظ اقتصادی غیر فعال محسوب می‌شوند. نرخ بیکاری بانوان استان به‌ویژه زنان تحصیل‌کرده در کلیه سطوح جمعیتی از نرخ میانگین کشوری بالاتر است (ر.ک: شیرخانی، ۱۴۰۰). همچنین این شرایط (آنومیک اقتصادی) موجب شده که فرصت مشارکت اجتماعی افراد و خانواده سلب شود و فردگرایی حاکم شود؛ زیرا شبکه‌های شغلی جمعی پایدار نبوده، امکان مشارکت جمعی نیز فراهم نیست. در شرایط آنومی اقتصادی، صرفاً مسئله اقتصادی موجب خودکشی نمی‌شود؛ بلکه بعد معنایی و روانی آن باعث می‌شود که به مرور زمان فرد، انسجام و تعامل خود با جهان هستی (معنابخش) و مشارکت و اثربخشی خود را از دست بدهد. عزلت‌نشینی، انزواطلبی و کناره‌گیری از جمع و طرد اجتماعی از آثار غیر اجتماعی آنومی اقتصادی بر افراد است که تداوم این وضعیت بسترساز خودکشی است.

۲- بین آنومی اجتماعی و اقدام به خودکشی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. این متغیر، ۰/۱۰۲ از تغییرات اقدام به خودکشی را تبیین کرده است. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش منتهی و همکاران (۱۳۹۸) و ایار (۱۳۹۷) همسو است. احساس آنومی، شرایط بی‌هنجاری است و خلأ اخلاقی، بی‌قاعدگی و بی‌قانونی در روابط اجتماعی از دستاوردهای آن است. در این حالت، رفتارهای ناعادلانه، پیش‌بینی‌ناپذیر و غیر قانونی، افزایش می‌یابد؛ زیرا جامعه و فرد با رهایی به حال خود، خود را در برابر ساختار اجتماعی، ضعیف، تنها و طردشده می‌بیند و در صورت تأمین نشدن نیازهای اجتماعی، از جامعه انتقام می‌گیرد. نبود قواعد مشترک میان شهروندان و احساس سردرگمی و سرگشتگی اجتماعی، بحران خودکشی را تشدید می‌کند. هرچه فضای اجتماعی، آلوده، بحرانی، آشفته و بی‌قواره باشد، به همان میزان، فرد در مواجهه با مشکلات اجتماعی، خودباخته و ضعیف متصور می‌شود و تنها راه فرار از موانع موجود را رهایی خود از فضا تلقی می‌کند.

آنومی اجتماعی مبین شرایط نامساعد سرمایهٔ اجتماعی است. شرایط اجتماعی به خاطر بی‌سازمانی اجتماعی در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، انسجام، مشارکت، حمایت و تعلق اجتماعی، بحرانی می‌گردد. وضعیت سرمایهٔ اجتماعی در استان ایلام نیز نشان می‌دهد که میانگین میزان سرمایهٔ اجتماعی استان، ۲/۸۱ با دامنهٔ بین ۱ تا ۵ بوده است که اندکی پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد (ر.ک: شورای اجتماعی کشور، ۱۳۹۴). در برخی از پژوهش‌های مربوط به سنجش یا تخمین سرمایهٔ اجتماعی در استان‌های کشور نیز استان ایلام به لحاظ شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی در رده‌های آخر قرار داشته است (ر.ک: شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۸؛ باستانی و رزمی، ۱۳۹۳).

زمانی آنومی اجتماعی گسترش می‌یابد که فرد دچار بی‌هویتی گشته، احساس تعلق خاطر اجتماعی خود را از دست می‌دهد. با فراهم شدن چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی، کارکرد خود را از دست می‌دهد و وابستگی‌های شخص و جامعه از بین می‌رود و موجب می‌شود که افراد در شرایط بحرانی از همدیگر حمایت نکنند. گسست اجتماعی بین فرد-جامعه، از هم پاشیدگی اجتماعی را در پی دارد و باعث می‌شود که فرد، رضایت اجتماعی خود نسبت به خود و جامعه را از دست بدهد. این نوع از خودکشی به زعم دورکیم، به عنوان خودکشی نابهنجارانه، هنگامی پیش می‌آید که انسان‌ها دچار سرگردانی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های اجتماعی، بی‌اهمیت و کم‌ارزش می‌شود. بنابراین خودکشی، حاصل بی‌قاعدگی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی است. افول سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی، کنار گذاشتن نظارت‌های رسمی و غیر رسمی، زمینه کاهش حمایت‌های اجتماعی را فراهم کرده و اقدام به خودکشی را گسترش داده است.

در یک نگرش سنجی، ۱۵ درصد از پاسخگویان ایلامی اظهار داشته‌اند که بین بستگان درجه یک آنها، فردی وجود دارد که با او قطع رابطه کرده است. از این نظر استان ایلام، رتبه اول را در کل کشور داشته است (شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۲؛ به نقل از مرادی و هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۴۰). حفظ انسجام اجتماعی افراد با نظام خانواده و نهادهای اجتماعی از کارکردهای سرمایهٔ اجتماعی است که اختلال آن در استان ایلام، موجب کاهش حمایت نظام خانواده و نهادهای حمایتی، انزوای اجتماعی افراد و شیوع افزایش نرخ خودکشی شده است. سرمایه اجتماعی با ایجاد انسجام اجتماعی، پیوند بین‌گروهی و درون‌گروهی، تقویت اعتماد و اخلاقی‌سازی در اجتماع، گرایش به

خودکشی را کاهش می‌دهد. حجم سرمایه اجتماعی، گرایش به خودکشی را تعدیل و از اقدام به آن ممانعت می‌کند.

۳- بین آنومی فرهنگی و اقدام به خودکشی، رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب تبیین آن، برابر با ۰/۱۱۲ است. هرچه شدت آنومی فرهنگی بیشتر باشد، به همان اندازه احتمال اقدام به خودکشی نیز بیشتر خواهد بود. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش استک (۲۰۲۱) همسو است. آنومی فرهنگی به مفهوم فقدان اجماع فرهنگی درباره اخلاقیات، سبک پوشش، طرز گفتار، کردار و ذائقه‌های فرهنگی است. وقتی جامعه انسجام فرهنگی خود را از دست بدهد، آشفتگی هنجاری و ارزشی باعث شیوع بحران‌ها و مسائل فرهنگی می‌شود. این آنومی فرهنگی را می‌توان بر اساس پیشینه ایلپاتی جامعه مورد مطالعه تبیین نمود. رفتار ایل‌گرایانه همانا همکاری با اعضای گروه خودی و همکاری نکردن با اعضای سایر گروه‌ها و یا حمایت بیش از حد گروه خود و دشمنی با گروه بیگانه پنداشته می‌شود. در تمام موارد، ایل‌گرایان، پیوند ایلی را محور قرار می‌دهند و تمام کسانی را که از ایل و طایفه خودشان است، نسبت به دیگران، بهتر و برتر می‌شمارند (رضایی‌نسب، ۱۴۰۱: ۳۲۹).

آنچه بیش از هر چیز می‌تواند عامل اصلی وضعیت بی‌سامانی‌های فرهنگی در استان ایلام قلمداد شود، ناهماهنگی و تقابل میان نهاد سنت (رفتار ایل‌گرایانه)، روابط خویشاوندی و طایفه‌گرایی با نهادهای قانونی و مدنی است. نمود عینی این واقعیت اجتماعی را می‌توان در پدیده دیوان‌سالاری اداری در نهادها و سازمان‌های دولتی استان ایلام بیان نمود. دیوان‌سالاری اداری در استان ایلام از یک طرف به خاطر فشار نفوذ نیروهای محلی و دولتی بیرون از آن، شایسته‌سالاری لازم را ندارد؛ از طرفی دیگر به خاطر حجم بالای بیکاری و تحمیل شدن افراد غیر متخصص به سازمان‌ها، چابکی، کارایی و پویایی مناسب را ندارد. علاوه بر این بورکراسی تحت تأثیر فرهنگ ایلی و قبیله‌ای به نوعی خاص‌گرایی و خویشاوندسالاری تبدیل شده است که هر کس با کسب یک جایگاه اداری، سازمان را در خدمت اهداف و تمایلات خود و یا دوستان و خویشاوندانش قرار می‌دهد.

غلبه نظام رفاقتی، طایفه‌گرایی، خویشاوندگرایی، حزب‌گرایی در بروکراسی اداری و شغلی می‌تواند پیامدهایی از قبیل بی‌اعتمادی، مهاجرت نخبگان بومی و ناکارآمدی

سیستم نهادی دولتی را به دنبال داشته باشد. در این شرایط، جامعه کارایی خود برای اقناع فرهنگی به مفهوم تفهیم تکالیف ارزشی- اخلاقی، باوری و عقیدتی از دست می‌دهد و نوعی بی‌سازمانی فرهنگی در ساحت کلی جامعه ظهور و بروز می‌کند. با ترویج آنومی فرهنگی، دروغ‌گویی، چالپوسی و فردگرایی، پررنگ‌تر و قاعده‌های اخلاقی مانند پایبندی به تعهدات اخلاقی، دین، کردار درست و عدم سوءاستفاده از همدیگر هم بی‌اهمیت‌تر می‌شود و باعث می‌گردد که فرد مواجه‌شده با مشکلات اجتماعی به دلیل حالت آشفته فرهنگ و ناتوانی فرهنگ در راهنمایی رفتارها، نیازها و خواسته‌های فردی، گرایش بیشتری برای خودکشی داشته باشد.

منابع

- آیسه، علی و دیگران (۱۳۹۹) «برساخت مدل زمینه‌ای تجربه رسیدن به خودکشی در میان زنان خودکشی‌کننده شهر کرمانشاه»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات جنسیت و خانواده، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۴۸.
- باستانی، علیرضا و سید محمدجواد رزمی (۱۳۹۳) «رتبه‌بندی غیر مستقیم استان‌های ایران برحسب سرمایه اجتماعی»، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۷۷-۴۵.
- پورافکاری، نصرالله و دیگران (۱۳۹۰) «مطالعه ارتباط بین آنومی، اقتدارگرایی و تمایل به رفتار انحرافی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۹۰-۶۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۳) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران، نشرنی.
- داده باز ایران (۱۴۰۲) سیر صعودی آمار خودکشی در ایران، قابل دسترسی در: <https://iranopendata.org/pages/118-suicide-in-iran>.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸) خودکشی، ترجمه نادر سالرزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذوالفقاری، اکبر و محمد شاتار صابران (۱۳۸۷) «رهبری و توسعه فرهنگی»، مطالعات میان‌فرهنگی، شماره ۷، صص ۱۸۴-۱۷۱.
- ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۶) «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره سوم، شماره ۸، صص ۴۱-۷۸.
- رجب‌زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۱) «آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، صص ۴۴-۲۲.
- رضایی‌نسب، زهرا (۱۴۰۱) «مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری بیکاری فارغ‌التحصیلان دخترهای دانشگاه شهر ایلام»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره بیست‌ویکم، شماره ۲، صص ۳۱۵-۳۴۱.
- رضایی‌نسب، زهرا و دیگران (۱۳۹۶) «مطالعه توصیفی اقدام به خودکشی زنان شهر ایلام»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره پانزدهم، شماره ۴، صص ۳۶۵-۳۷۶.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷) آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران، سروش.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و دیگران (۱۳۹۶) «اقدام به خودکشی بین زنان آبدانان: انگیزه‌ها و شرایط»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره پانزدهم، شماره ۳، صص ۴۲۷-۴۴۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱) دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- شعبانی، احمد و محمد سلیمانی (۱۳۸۸) «سنجش و رتبه‌بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های

- کشور، فصلنامه مطالعات اقتصادی اسلامی، سال دوم، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۹.
- شمس، سیمین و دیگران (۱۳۹۲) «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به کج‌روی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر»، فصلنامه زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۴) سنجش سرمایه اجتماعی کشور، استان ایلام، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- شیانی، ملیحه و محمدعلی محمدی (۱۳۸۶) «تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی در میان جوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۱۱-۳۵.
- شیرخانی، زینب (۱۴۰۰) یک‌سوم شاغلان دستگاه‌های دولتی در ایلام زن هستند؛ بیکاری زنان ایلام بیشتر از میانگین کشوری، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1400080402266/>
- صادقی، عباس (۱۳۹۶) پیشگیری و مداخله در بحران خودکشی: راهنمای عملی ارزیابی و مدیریت در بحران خودکشی، تهران، پژوهشگر برتر.
- عباس‌زاده، محمد و دیگران (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۷۲.
- عشایری، طاهّا و فاطمه نامیان (۱۳۹۹) مسائل اجتماعی در ایران؛ هشت پرسش جامعه‌شناختی جامعه ایرانی، تهران، جامعه‌شناسان.
- عشایری، طاهّا و طاهره جهان پرور و مسلم سوری و مرضیه احمدی می لاسی (۱۴۰۰) «مرور نظام مند مسائل اجتماعی ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۱۲۲-۱۵۲.
- علیوردی نیا، اکبر و احمد رضایی و فریبرز پیرو (۱۳۹۰) «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۱-۱۸.
- فلاحی، سارا (۱۳۸۹) «گفتمان ایدئولوژیک و پدرسالاری و خودکشی زنان»، مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی: علل، پیامدها و راهکارها، تهران، جامعه‌شناسان، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- فیروزجاییان، علی‌اصغر و سید ضیا هاشمی (۱۳۹۵) «قانون‌گریزی به‌مثابه آنومی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۷، صص ۸۱-۱۰۶.
- قادرزاده، امید و کوهیار پیری (۱۳۹۳) «برساخت اجتماعی خودکشی: ارائه یک نظریه مبنایی»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره اول، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۱.
- قاسمی، یارمحمد و دیگران (۱۴۰۰) «بازسازی معنایی خودکشی از منظر زنان استان ایلام (روایتی بوم‌آور)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره بیست‌وهشتم، شماره ۲، صص ۲۴-۲۱۱.
- کارگر، سعید و دیگران (۱۳۹۷) «رابطه سبک زندگی فراغتی و دینی با شادمانی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۴۴، صص ۲۱۰-۱۷۲.

کوهی، کمال و طیبه فریادی (۱۳۹۷) «بررسی تأثیر دین‌داری و بیگانگی اجتماعی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۳، صص ۱۶-۱.

مرادی، سجاد و جعفر هزارجریبی (۱۳۹۸) «تحلیل عوامل و راهبردهای مؤثر بر ارتقای شادکامی در استان ایلام»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی‌ام، شماره ۷۳، صص ۳۹-۷۲.

مردیها، مرتضی (۱۴۰۱) فضیلت عدم قطعیت در علم شناخت اجتماع، تهران، ثالث.

معیدفر، سعید (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، نور علم.

مظفر، حسین و دیگران (۱۳۸۸) «آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۳ تا ۲۸ سال شهر تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴، صص ۵۴-۳۴.

منتی، رستم و دیگران (۱۳۹۹) «بررسی برخی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتار خودکشی در استان ایلام در سال ۱۳۹۷»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره بیست‌وهشتم، شماره اول، صص ۸۹-۹۹.

موسی‌نژاد، علی (۱۳۸۹) «زنان و خودکشی به سوی مدلی جهت تبیین خودکشی زنان»، همایش ملی خودکشی: علل، پیامدها و راهکارها (مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی)، تهران، جامعه‌شناسان، صص ۲۳۳-۲۶۶.

ناییبی، هوشنگ و دیگران (۱۳۹۶) «تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۹-۵۱.

نیازی، محسن و دیگران (۱۳۹۶) «تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی، مطالعه‌ای در باب روستاهای استان اردبیل»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۶۷.

- Abanos, ismet Nezih (2023) Economic Anomie and Suicide During War Time, Handbook of Research on War Policies, Strategies, and Cyber Wars.
- Aron, Raymond (2012) The basic stages of thought in sociology, Trans., Parham, B. Tehran, Pocket Books Publishers, 1, 56. (Persian)
- Barash, Meyer (1963) The Non-Religion of the Future: A Sociological Study.
- Blevins, kristie R; Johnson Listwan ,Shelley; T. Cullen ,Francis ; Lero Jonson,Cheryl (2010) A General Strain Theory of Prison Violence and Misconduct: An Integrated Model of Inmate Behavior ,Journal of Contemporary Criminal Justice, 26(2) 148-166
- Chambers, Robert (2010) What is poverty? Who asks? Who answers? IDS Working Papers, 2010(344), 1-57.
- De Lara, Pablo Zoghbi Manrique (2007) Relationship between organizational justice and cyberloafing in the workplace: Has “anomia” a say in the matter? CyberPsychology & Behavior, 10(3), 464-470.
- Durkheim, Emile (2003) Anomie, Key Ideas in Sociology, 22-26.

- Field, Tiffany; Diego, Miguel; & Sanders, Christopher E. (2001) Adolescent suicidal ideation, *Adolescence*, 36(142), 241-241.
- Foster, George M. (2017) Peasant society and the image of limited good, In *Man in Adaptation*, Routledge. 288-297.
- Gibbs, Jack P. (1976) Suicide, In *Contemporary social problems*, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Giddens, Anthony (2012) *Sociology*, (M. Sabouri, tran.), Ney. (Persian)
- Giddens, Anthony; & Baird, Sal (2007) *Sociology*, (H. Chavoshiyan, tran.), Ney.
- Glatzer, Wolfgang (2000) Happiness: Classic theory in the light of current research, *Journal of Happiness Studies*, 1(4), 501-511.
- Halbwachs, Maurice (1978) *The causes of suicide*, New York: Free Press.
- Hawton, Keith; Harriss, Linton; Hodder, K; Simkin, Sue; & Gunnell, David (2001) The influence of the economic and social environment on deliberate self-harm and suicide: an ecological and person-based study, *Psychological medicine*, 31(5), 827-836.
- Hodwitz, omi & fry Kathleen (2016) Anomic suicide: A Durkheimian analysis of European normlessness, *Mid-South Sociological Association*, Volume 36, Issue 4: 236-254
- Hulmes, Rounaldem; & Hulmes, Stifen T. (2012) *Suicide*, (Z. Afrazkonjbeen, tran.), Jameshenasan. (Persian)
- Kouser, Alfered Loueis; & Rosenberg, Bernard (2014) *Fundamental sociological theories*, (F. Ershad, tran.), Ney. (Persian)
- Kourgiantakis T, Sewell K, Mcneil S, Logan J, Lee E, Adamson K. Social work education and training in mental health addictions and suicide a scoping review protocol, *BMJ Open* 2019; 9: 48-55.
- Levine J, Sher L. Social work and suicide prevention, *Psychiatr Ser* 2019 20;70:63843. doi.10.1176/appi.ps.201900165.
- Loeis, Scar (1975) *The culture of poverty and its recognition*, (R. Hasebi, tran.). Nobel.
- Mestrovic, Stjepan G. (1988) *Anomie: History and Meaning*.
- Orrù, Marco (1985) Anomie and social theory in ancient Greece, *European Journal of Sociology/Archives Européennes de Sociologie*, 26(1), 3-28.
- Ortmann, Rüdiger (2000) Anomie as a Consequence of Disturbances of Equilibrium in Case of Suddenly Occurring Social or Personal Changes, A paper presented at the Annual Meeting of the American society
- Siegel, Larry J; & Ziembo-Vogl, Joanne Marie (2010) *Criminology: Theories, patterns, and typologies*, Wadsworth/Cengage Learning.
- Stevens, Patricia; & Griffin, Juree (2001) Youth High-Risk Behaviors: Survey and Results, *Journal of Addictions & Offender Counseling*, 22(1), 31-46.
- Stones, R. (2021) *the great thinkers of sociology*, (M. Mirdamadi, tran.), Markaz.
- Taylor, Steve D. (1982) *Durkheim and the Study of Suicide*, Macmillan International Higher Education.
- Wait, Rab; & Hinss, Feuna (2011) *An Introduction to Crime and Criminology*, (A. Salimi, tran.), Houzeh and University Research Institute.